باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی ـ اداره مخطوطات

شماره ثبت: ۱۳۱۳۹ ج ۱	
رده‌بندی دیویی: ۱۳۵۳ و ۷۵۸ ف ۲۹۷/۴۰۷	مرجع ☐
سرشناسه: فضل آبادی عراقی، ابوالفضل بن حسینعلی	
عنوان قراردادی:	
عنوان: وسیلة النجاة	
شرح پدیدآور:	
کاتب:	تاریخ کتابت:
محل نشر: تهران ناشر: مطبعه فخری سعیدی	تاریخ نشر: ۱۳۵۳ ق
صفحه شمار: ج ۱، ۲ (۶۴ ص)	مصور ☐ درسی ☐ گراور یا افست ☐
زبان: فارسی ابعاد: ۱۷×۱۱	نوع خط: نستعلیق
روش تهیه: وقفی ☐ اهدایی ☐ خریداری ☑ ارسالی ☐	
واقف: خریداری	تاریخ ثبت: آذر ۱۳۲۷
یادداشتها: در صفحات ابتدای کتاب قصیده عربیه از کلام مولف در مدح حضرت رسول و ائمه (ص ع) آمده است.	
موضوع(ها): ۱. اسلام ـ عقاید ـ راهنمای آموزشی. ۲. اخلاق اسلامی. ۳. شعر عربی.	
شناسه(های) افزوده: الف. عنوان.	
فهرستنگار: شیدائی	تاریخ فهرستنگاری: ۸۹

۲۹۷/۳۰۷
و ۷۵۸ ف
۲۶۲۸
اسید زدایی شد
۸۶/۵/۱۰
کتابخانه آستان قدس
اسم کتاب وسیلة النجات
مصنف / مؤلف میرزا ابو الفضل مدرس عراقی
خطی / چاپی سنگی نستعلیق تهران
سال چاپ یا تحریر ۱۳۱۳ ق عدد اوراق ۶۴
جزء کتب عقائد شماره ع ۱۳۱۲۹
شماره عمومی ۱۳۱۱۳ شماره قبض
واقف خریداری کتابخانه تاریخ وقف آذر ۱۳۲۷
طول ۱۷ عرض ۱۱ گنجه
سال ۱۳۴۰ خورشیدی
بازیابی شد

جلد اول وسیلة النجاة

تألیف آقای آقا میرزا ابو الفضل مدرس عراقی

دارای مطالب دینی و اخلاقی

حدیث شریف	معرفت الهی	احتیاج بانبیا
[illegible]	اولو العزم انبیا	خاتم انبیاء
[illegible]	حساب و موقف	عدالت
امامت	ولایت ائمه	تاریخ ائمه
امر بمعروف	تارک الصلوة	عیب جوئی
مجالست	تمام مردم شناسی	عمر گران بها
علم و کسب	اهل علم عالم اسلام	واعظ غیر متعظ

سال ۱۳۶۸ ...

ادعیهٔ متفرقهٔ معتبرهٔ مفیدهٔ مأثوره

(مرویه از ائمهٔ اطهار)

هو العزیز

تالیف و طبع این کتاب
در عهد همایون اعلیحضرت شهریاری
السلطان رضاشاه پهلوی
خلد الله ملکه و سلطنته و اید اعوانه و جیوشه
و اجازهٔ طبع از طرف وزارت جلیلهٔ
معارف و اوقاف دامت شوکته
در تحت نمرهٔ ۱۲۹۰ صادر و در دار الخلافه
طهران در یوم ۱۷ صفر مطابق
سنه ۱۳۵۳ قمری هجری
طبع گردید

سال ۱۳۱۸ خورشیدی
بازیافت شد

۱۵

القصيدة العربية من كلام المؤلف في مدح الرسول والأئمة صلعم

احمد حمداً لك يا خالقي | شكرت شكراً لك يا رازقي
صل على سيدنا المصطفى | نبينا محمد خير الورى
صل على عترة الطيبين | والفاطمة وآلها الطاهرين
صل وسلم لعلي الولي | قاتل الاعداء وصي النبي
صل على ذي الحسب والنسب | الحسن الممتحن المنتجب
صل على المجاهد بن النجيب | أعني حسين بن علي الشهيد
صل لسجاد علي الامام | الراكع الساجد خير الانام
صل على باقر بحر العلوم | محمد النور بدر النجوم
صل على الصادق علم الهدى | ستفطر الذهب حين الغني
صل لموسى وهو الكاظم | ذي الشرف والنسب العالم
صل وسلم لعلي الرضا | شافع زوار يوم الجزاء

صل على الكامل الجواد | محمد تقي والباذل
صل وسلم لعلي النقي | امامنا والحسن العسكري
صل على حجتك المنتظر | سيدنا صاحبنا المنتصر
نسألك العصمة يا من هدى | بالنبي المنتجب المصطفى
بحقهم واعف لنا يا كريم | واغفر لنا ما عمل يا رحيم
نلتمس المخلص من كل الشين | من الخلل الفكرة او طرف عين
واقف رضانا برضا الوالدين | واعف عنهما يا منجي الهالكين
لبس لنا وسيلة غيرك | عو لطف رحمتك عفوك
واعف لنا يوم يقوم الحساب | ما انسى العبد بجمع الكتاب
كان ابو الفضل هو المعتمد | بدين الاسلام هو المعتقد
ويستقي رحمتك دائماً | ففرج عني فرجاً عاجلاً

وقال القائل في اليوم الكتب المقاصد الخمسة انا

كذا كتب

هو الله العزیز
المجلد الاول من کتاب وسیلة النجاة

باذن وزارت معارف و اوقاف در
تحت نمره ۱۳۹۰

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة علی
اشرف الانبیاء والمرسلین محمد
وآله الطاهرین ولعنة الله علی
اعدائهم اجمعین من الان الی یوم
الدین وبعد قال النبی صلی الله علیه
وآله ان المؤمن اذا مات وترک
ورقة واحدة فیها علم کانت لورقة
بینه ستراً وبین النار اعطاه الله تعالی بکل
حرف مدینة اوسع من الدنیا وما
فیها یعنی فرمود حضرت رسول اکرم صلوات خدا بر او
و اولاد او بدرستیکه مؤمن وقتیکه بمیرد و بگذارد از

ورقی تنها که در آن علم است هر آینه خواهد شد آن ورق پرده
درمیان او و آتش و عطا فرماید خدا بهر حرف شهری (و آنچه در)
که وسیع است از دنیا و مافیها و در حدیث دیگر وارد شده
فضیلت مداد علما بر دماء شهدا و لازم است در آن قصد (خونها)
قربت زیرا که آن نوعی از تحصیل است بلکه در بعضی موارد ثواب
کتابت علم زیادتر است از تحصیل بعلت اینکه بعد از موت هم
نفع برده می شود از علم مکتوب علی هذا احقر العباد علماً (نوشته شده)
و اکثرهم جرماً و ذنباً ابو الفضل بن حسینقلی
بن رحیم خان الفضل آبادی العراقی عفی الله (برادران)
عن جرائمهم بموقف عرض اخوان ایمانی میرساند
چون هر ذی حیاتی باید شربت موت را بچشد و در مضجع تنگ (مرگ)
تراب بخوابد الوقت باندای رب ارجعونی جواب
بلی قد جائتک آیاتی خواهد شنید پس الحال که
حیوة زندگانی در کف بود بخاطر فاتر این بی بضاعت
رسید که کتابی تألیف نمایم دینی و اخلاقی و

و از قرب الشهادت بزرگان دین و از ان محتضر ملول و محزون دائم ما
در یوم لا ینفع مال و لا بنون بنتیج نتایج شافیه و مربح روایح
وافیه و مرضات رضای الهیه و وسیله ارتقاء بدرجات عالیه و موجب
نجاة از نار حامیه و سبب خلاصی از مهالک و مخاوف و نهاد آخرة از جمیع
ناظرین و عاطبین و مؤلف باشد تا اینکه موفق گردیدم بتالیف این
کتاب مستطاب که موسوم است بوسیلة النجاة
و از عدم البضاعت و موافق مصلحت قرار داده شد طبع او در [illegible]
توکلت علی الله و توسلت بمحمد و آله الطاهرین
و اعتصمت بولایة امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام
و این جلد اول مشتمل است بر مقاصد خمسه توحید
نبوت و معاد عدل و امامت اخلاق و تصحیح
ادعیه و اذکار مقصد اول حدیث شریف نبوی
در وصایای آنحضرت باب ذر که مضمونش این است
که حضرت حق تعالی را باین صفات بشناس و معرفت
حاصل نما بسم الله الرحمن الرحیم

وَاعْلَمْ اَنَّ اَوَّلَ عِبَادَةِ اللّٰهِ الْمَعْرِفَةُ بِهِ وَاَنَّهُ
الْاَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ فَلَا شَيْءَ قَبْلَهُ وَهُوَ الْفَرْدُ
فَلَا ثَانِيَ لَهُ وَالْبَاقِي لَا اِلَى غَايَةٍ وَفَاطِرُ السَّمٰوَاتِ
وَالْاَرْضِ وَمَا فِيهِمَا وَمَا بَيْنَهُمَا وَهُوَ اللَّطِيفُ
الْخَبِيرُ یعنی بدان که اول عبادت خدا معرفت باوست
باینکه او اول است پیش از همه اشیاء پس نبود چیزی قبل از او
و او یگانه است که دوّمین ندارد و باقی است که نهایت ندارد
و پدید آورنده است آسمانها و زمینها و آنچه در آنها و آنچه در
میان آنها است و اوست خداوند لطیف و عالم بدقایق
امور بدان که معرفت لازم است بوجود
واجب الوجود و صفات ثبوتیه و سلبیه و اقرار به
یگانگی و بعدالت او و اقرار به نبوت پیغمبر آخر الزمان
و حقیت آنچه او از جانب خدا آورده و آنچه ضروری دین است
مفصلاً و آنچه غیر آن باشد اجمالاً و اقرار بامامت ائمه
اثنی عشر و اقرار بمعاد جسمانی که خدای عالمیان همین

بدن ما را بعد از مردن زنده خواهد کرد و ثواب و عقاب میدهد
و اقرار به بهشت و دوزخ و سایر اموری که از صاحب شرع معلوم
گردیده بدانکه چون بر تمام اعضای آدمی عبادت متعلق است
عبادت دل اعتقادات است لهذا معرفت را عبادت
فرمود و بر همه عبادات مقدم است و عبادات دیگر بدون
فایده ندارد پس جهد نماید معرفت و ایمان را کامل نماید
اللهم اجعلنی من المؤمنین بمحمد و آله الطاهرین

فصل دوم طریقه معرفت و ایمان

بدانکه ایمان مایه سعادت جاودانی است و ترک آن
شقاوت ابدی و شیطان دزد عقاید و اعمال است و از دزد
تا ممکن است اوّل بر متاع نفیس میزند و اگر بر آن دست
نیافت متاعهای دیگر را میبرد و عقباتیکه شیطان کمین گاه
کرده در این باب بسیار است عقبه اوّل عقبه معرفت خدا
است و از این عقبه اکثر عالم را بجهنم برده و اگر نجات از
این میخواهید دست از سفینه نجات که اهل بیت رسالتند

بر مدار که ایشان درد و دوای هر چیز را میدانند و کمین گاههای
شیطان را میشناسند و تابعان خود را بساحل نجات می
رسانند و این فریب محض که تا خدا را نشناسی بدلیل عقل
پیغمبر و امام را نتوان شناخت زیرا که معرفت الهی دو شعبه
دارد شعبه اوّل علم بوجود واجب الوجود است و آن از جمیع
اشیاء ظاهرتر است و احتیاج بدلیل و دور و تسلسل که موجب سرگردانی
است ندارد چنانچه از اخبار بسیار ظاهر میشود که معرفت واجب
الوجود فطریست و همین که آدمی بحد شعور رسید میداند که صانعی
دارد و هر کس که در حال خود تفکر نماید خواه فاضل خواه جاهل که
میداند خدا را بدلایل حکمی نشناخته بلکه خدا در هنگام صبا او را
معرفت روزی کرده و کفار را هرگز تکلیف اذعان بوجود واجب
الوجود نکردند بلکه ایشان را باقرار یگانگی خدا خواندند و بعد از آن
ایشان را بعبادت و بندگی خدا داشتند که از آن راه ایمان ایشان
کامل گردد و منقول است که روزی حضرت رسول صلعم از
اعرابی پرسید که وجود خداوند خود را چگونه یافتی و دانستی گفت
ما در راهها پی پا را می‌بینیم میدانیم که شخصی از اینمکان گذشت
آیا این آسمان و زمین

برای کافیست از برای تصدیق بوجود واجب الوجود حضرت
فرمود عَلَیکُم بِدِینِ الاَعرابِ یعنی بر شما باد بدین اعرابی
پس وجود صانع روشن و واضح است که هر کس از معاندین
اگر عناد را کنار بگذارد یقین میداند که خدائی هست که بغیر او در عالم
مدبری نیست چنانچه حق سبحانه تعالی میفرماید وَلَئِن
سَأَلتَهُم مَن خَلَقَ السَّمٰوٰاتِ وَالاَرضَ لَیَقُولُنَّ الله
اگر از کافران بپرسی که کی خلق کرده است آسمانها و زمینها را هر آینه
گویند که خدا خالق اینها است از حضرت امام حسن
عسکری علیه السلام منقول است که شخصی بخدمت
حضرت صادق علیه السلام و گفت مرا دلالت کن بخدا و
که ملاحده با من بسیار جدل مینمایند و مرا حیران کرده اند
حضرت فرمود که هرگز بکشتی سوار شده گفت بلی فرمود که در
آن هنگام امید نجات از که داشتی و کرا قادر بر نجات دادن
خود میدانستی همان خداوند است و این راه ظاهرترین راههاست
از برای علم بوجود واجب الوجود چنانچه خداوند عالمیان میفرماید
که کیست اجابت مضطران بنماید

و فرمود

11

و سیله او را بیجا آورند و دفع مکروهات از ایشان نماید و لیست
نیست مگر آنکه همیشه با خدا این معامله داشته باشد پس
چنین کسی چه احتیاج بدلیل دارد چنانچه تمثیل کرده اند
مثل ارباب استدلال را بلا تشبیه بمثل جماعتی که دزد بخانه
ایشان آمده بود یکی دزد را گرفت آن دیگری صدا کرد که بیا
دزد را من یافته ام و آن اولی دزد را از دست گذاشت و
آن شخص رفت دید که جای پای دزد را یافته هم چنین بلا تشبیه در
اینجا مادهٔ این مرد صالح خداشناس که همیشه با خدا در مقام
مناجات است و پیوسته از او لطف و احسان میبیند
شب و روز بکثرهٔ عبادت یقین او در تزاید است و هیچ چیز از
او ظاهرتر از خدا نیست آن حکیم مشرب از خدا دور است که بیاید
بدور و تسلسل خدا را بشناسد و اگر نه ایمان او کامل نیست

و اما صفات کمالیه خدا

اگر کسی در
غرایب صنع الهی در آفاق تفکر نماید او را شکی در
ثبوت نمی ماند و اگر حکمت چیزی بر او مخفی بماند اجمالاً

میداند

جاهلاً میدانند که کار صاحب چنین خلقی بحکمت میباشد چنانچه
حضرت صادق علیه السلام میفرماید مثل این جماعتی که بر خدا
اعتراض میکنند مثل کوری است که بمجلسی درآید که فرشهای
الوان و طعامهای گوناگون در آنجا گسترده باشند و پا در میان
طعامها بگذارد و اعتراض بر صاحب خانه کند بعینه اعتراض
ملاحده که کوران عالمند از این باب است

شعبهٔ دوّم معرفت بدانکه تفکر در ذات و چگونگی کنه
صفات باریتعالی ممنوع است و اخبار بسیار بر نفی وارد
شده پس در این باب باید بنحویکه خدا در قرآن مجید فرموده
و حضرت رسول و حضرات ائمهٔ معصومین علیهم السلام در احادیث
متواتره بیان فرموده اند اعتقاد نماید بعد از آن از راه عبادت
و بندگی زیادتی هدایت را طلب نماید و بعقل ناقص خویش
مغرور نگردد **حضرت علی بن الحسین** علیه السلام فرموده اند
که خداوند عالمیان میدانست که در آخر الزمان جماعتی
متعمّق و متدقّق بهم خواهند رسید سورهٔ قل هو الله احد

و آیات سورهٔ حدید را فرستاد که خدا را باین نحو شناسند
و کسیکه زیاده از این تفکر نماید هلاک میشود و کسانیکه دست از
فرموده خدا و رسول ص برداشته اند بعقل سخیف خود اعتماد
کرده اند چرا تفکر نمی نمایند که اگر عقل در اینباب مستقل بود
پس چرا متکلّمین و حکماء هر کدام بنحوی معتقدند در هر بابی دو
از ایشان باهم موافق نیستند چنانچه کسی بر احوال و اقوال بعضی از
اینها مطلع باشد میفهمد مزخرفات اینها و صوفیّه را که قائل
باتحاد و حلول و تجسّم شده اند چنانکه علامه ره در کتاب
کشف الغمّه فرموده که جماعتی از صوفیّه دیدم در روضهٔ
حضرت سید الشهداء ع که ایشان نماز شام خواندند بغیر از یکنفر که او
نماز نکرد سؤال کردم که چرا آنشخص نماز نخواند گفت او چه احتیاج
بنماز دارد بخدا واصل شده و نماز حاجب است میان بنده
و خدا پس بنگرید و تفکر نمائید در حال اینجماعت که اعتقاد اینها
در باب خدا آن است که دانستی اگر انکار ممکن بود پس
چرا از حضرات ائمّه و بزرگان دین کسی در مقام ادّعای سقوط
نماز بر نیامد انتهی کلامه

صفات کمالیه حق تعالی

قادر — توانا
عالم — دانا
حی — زنده
مرید — اراده کننده
مدرک — درک کننده

ازلی — اول
ابدی — همیشه
متکلم — سخنگو
صادق — راستگو

صفات سلبیه

مرکب نیست — اجزاء ندارد
جسم نیست — بدن ندارد
مرئی نیست — دیده نمیشود
محل نیست
شریک ندارد — شریک ندارد
معانی ندارد — صفات زائد بر ذات ندارد
غنی — محتاج نیست

توضیح آنکه معنی در صفات سلبیه مراد این است که
خدا او زائد بر ذات نیست مثلاً زید ذاتی دارد و علمی دارد
از ذات که بان علم متصف میشود او را عالم میگویند یا
قادر است بقدرتیکه خدا باو داده و همچنین در سایر صفات
و اما در خدای عالمیان صفات مقدس او عین ذات است
و اصل ذات قائم مقام جمیع صفات است و کار
علم و قدرت مینماید و او با صرف ذات میکند را اجمالاً ذکر شد

مقصد دوم نبوت و معاد و ...

فصل اول در ضرورت وجود نبی و احتیاج خلایق باو بدانکه
ظاهر و معلوم است که غرض الهی از خلق عالم تحصیل منفعتی از
برای خود نیست چه معلوم است او غنی بالذات است و در هیچ کمالی
محتاج بغیر نیست بلکه غرض آنست که افراد قابله خلق را بکمالاتیکه قابل
آن باشند فایز گردانند و ظاهر است که نفوس بشری باعث رداءت آن
شهوات مایل بسوی ... باشند و امور قبیحه در نظر ایشان حسن
جلوه ... و معلوم است که این امور بدون وعده بثواب و وعید از عقاب
منع نمی شود و نیز معلوم است که عقل انسانی بدون وحی نمیتواند احاطه
بخصوصیات ثواب هر عملی و عقاب هر جرمی بکند پس بغیر از
شخصی که از جانب حق سبحانه تعالی مأمور باشد و حسن و قبح اشیاء را
بوحی الهی بداند ارشاد خلق و تکمیل ایشان حاصل نمیگردد
و این شخص هم ناچار است از دو جهة که بتواند از جانب حق تعالی
مؤید بوده باشد و حسن و قبح اشیاء را بوحی الهی بداند
و مردم را بوعد و وعید بخواند باز دارد که از دو جهة یکی جهت
بشریت که بان اعتبار مجالست و مصاحبت و ...

و مؤانست و مکالمه و مصاحبه با مکلفین نماید و سخن او در
نفس ایشان تاثیر نماید جهة دیگر جهة روحانیت و تقدس نفس
است که بآن جهة مستعد فیوضات نامتناهی و قرب جناب
اقدس الهی بوده باشد که از جهة ثانی استفاضه علوم و حکم و
معارف نماید و بجهة اول بخلق و تبلیغ که فاتحه نماید
بآن علم به نبوت نبی که مردم نتوانند رسانید معجزه است مانند
عصا را اژدها کردن و مرده را زنده کردن و شق القمر و امثال
اینها که خارج از طاقت بشر باشد

فصل دوم فرق نبی و رسول و اولو العزم

بدانکه مشهور است که صد و بیست و چهار
هزار پیغمبر از جانب خدا آمده اند که سیصد و سیزده نفر
ایشان مرسلند و باقی نبی بوده اند و نبی آن کسی است که
میبیند در خواب خود و میشنود صدا را و نمی بیند آن ملک را در
بیداری و رسول آن کسی است که می بیند در
خود و می شنود صدا را و می بیند آن ملک را مشافهتاً
سخن میگوید با او و بعضی از مرسلین اولو العزم بوده اند

و اینها بنا بر قول مشهور و اصح پنجنفر هستند

و اولو العزم من الرسل و هم خمسة
نوح ع ابراهیم ع موسی ع عیسی ع
محمد صلعم فان کل منهم اتی بعزم و
شریعة ناسخة الشریعة من تقدمه و نیز
انهم بعثوا الی مشارق الارض و
مغاربها و جنها و انسها

اسامی بعضی از انبیاء و مرسلین که اسم
ایشان بنحو بعضی از انبیاء و مرسلین
مشهور و بنظر حقیر رسیده در اینجا مذکور میشود
لعل غیر از اینها معصوم باشد که حیث عدم الوجدان
لا یدل علی عدم الوجود از مشهورین و معروفین
آنچه ثبت شده از این قرار است حضرت آدم ع
شیث ع ادریس ع هود ع صالح ع
لوط ع اسمعیل ع اسحق ع یعقوب ع

و یوسف و ایوب و شعیب و موسی و هارون و
و خضر و الیاس و الیسع و ذو الکفل و لقمان
و ذو القرنین در این دو اختلاف است و داود
و سلیمان و اشموئیل و حبقوق و شعیا و
حنظله و ذکریا و یحیی و ارمیا و دانیال و عزیر
و خالد و جرجیس و خاتم الانبیاء
محمد صلوات الله علیه و آله و علیهم اجمعین
که پیغمبر ما باشد و دین آنحضرت تا قیامت باقی است
و حلال و حرام او حلال و حرام است تا روز قیامت و دین او
ناسخ جمیع ادیان است و بعد از آن حضرت پیغمبر
نیامده و نخواهد آمد و هر کس ادعای نبوت نماید بعد از آن
حضرت قطعا آنکس کافر و کاذب است و تمام انبیا
بشارت مقدم شریف حضرت خاتم الانبیاء را بخلق
داده اند معجزات مثل شق القمر و احیای مرده و امثال
از معجزات و تسبیح سنگ ریزه در کف آن حضرت و امثال
اینها از حد و حصر بیرون است و قرآن که

از فصاحت و بلاغت الان عاجز نمود فصحا و بلغاء عرب را
که در مقام تحدی فرموده فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ همه
فصحای عرب در مقام معارضه بر آمدند عاجز شدند و
اخلاق آن حضرت که دارای آن مستحق پیغمبری است
و در هر روز فرمایشاتی که بدون تعلیم معلم محال عادی است و حال
آنکه آنحضرت کافر و مسلم از آن حضرت درس نخوانده بود
و نسب شریف آن حضرت از طایفه قریش پدرش عبد الله بن عبد
المطلب بن هاشم بن عبد مناف الی حضرت آدم همه موحد
و خدا پرست بوده اند مادرش آمنه بنت وهب بن عبد مناف
ولادت آن حضرت در هفدهم ماه ربیع الاول
روز جمعه در مکه معظمه و روز بعثت آن
در بیست و هفتم ماه رجب المرجب در چهل سالگی
هجرتش در سال سیزدهم بعثت وفات
آن حضرت در روز دوشنبه بیست و هشتم ماه
صفر المظفر است بیست و هفتم ماه مذکور در

سال یازدهم هجرت رحلت تشریف آن حضرت

شصت و سه سال و مرقد مطهرش

در مدینه طیبه [illegible]

[illegible]

مقصد پنجم در معاد و عذاب

بعد از زنده کردن حق تعالی خلایق را در روز [illegible]

از برای مکافات [illegible] این معاد ضروری دین [illegible]

و از دلالت آیات قرآنیه و اخبار نبویه و اجماع [illegible]

رسیده که قابل شک و شبهه نمی باشد و انکار [illegible]

تاویل کردن [illegible] را [illegible]

می کرد موجب کفر است و واجب است اعتقاد اینکه [illegible]

[illegible] آسمان و زمین راه خواهد یافت [illegible]

[illegible] نور دیده خواهد شد [illegible]

حق تعالی [illegible] پوسیده متفرق شده از هم پاشیده [illegible]

[illegible] بقدرت کامله خود جمع خواهد [illegible]

[illegible] را با آن بدن [illegible] حشرش خواهد داد زیرا که [illegible]

آیات [illegible] و اخبار متواتره از وقوعش خبر داده

به طوری که اصلا قابل تاویل نیست و البته باید دانست که

خصوصیات قیامت از صراط و میزان و [illegible]

اعمال و امثال اینها متحقق خواهد گشت بعد از آن

[illegible] به مقتضای وعید بهشتی را بهشت جاودان

[illegible] را به عذاب الیم گرفتار خواهد کرد و خصوصیات

[illegible] عذاب قبر و سوال نکیر و منکر و امثال اینها

[illegible] نفوس در زمان بعد از موت [illegible]

[illegible] موجود [illegible] ساعت اول [illegible] بدن

تعلق [illegible] نکیر و منکر از ایشان [illegible] سوال

خواهند کرد و فشار قبر که اکثر موتی را [illegible]

[illegible] است و بعد ارواح مومنان در بدن [illegible]

[illegible] و گاهی در صحرای [illegible]

[illegible] حاضر شده و بر قبر خود و زیارت کنندگان [illegible]

و از رواج کافران در بعد فنا شدن عقب قیامت در روز دیگر [illegible]
با پیغمبران تا و قیامت محشور شوند

در حساب قیامت

بدانکه شیخ کلینی روایت نموده بسند معتبر از امام جعفر صادق
روایت کرده که فرمود که خودتان حساب خود را بکنید پیش از آنکه
حساب بکنند پس تحقیق که روز قیامت پنجاه موقف است
و در هر موقف باز ایستادن است که هر موقفی هزار سال [illegible]
اعمال خلایق باز خواهند داشت پس آن حضرت تلاوت کرد این
آیه را فی یوم کان مقداره خمسین الف سنة [illegible]
روزی که پنجاه هزار سال است و در حدیث رسول خدا [illegible]
محاسبه کنید خود را با نفس خود قبل از آنکه محاسبه [illegible]
آسان تر است برای حساب [illegible] روز قیامت و [illegible]
اخبار دیگر ظاهر میشود که همه خلایق را پنجاه هزار سال [illegible]
بلکه بعضی هستند که بی حساب داخل بهشت میشوند از قبیل کسانی که
دوستی میکنند با برادران مؤمن خود برای رضای خدا [illegible]
لوجه الله یا آن [illegible] کنند [illegible] [illegible]

مشهور است که چند کس را [illegible] برای خدا [illegible] [illegible]
در فضیلت [illegible] در خصوص [illegible] [illegible]
خلایق را [illegible] اعمال خود که در هر موقف از [illegible]
عمل که مقصر باشند باز [illegible] اگر شفاعت خواهند کرد
کرد حضرت محمد و آل محمد دوستان و شیعیان خود را و حضرت باقر
علیه السلام فرمود که حضرت رسول [illegible] [illegible]
است [illegible] شفاعت خواهد کرد و ما برای شیعیان خود شفاعت
خواهیم کرد و شیعیان ما برای اهل و دوستان خود شفاعت میکنند
الی [illegible] باشد که مؤمنی شفاعت کند مثل [illegible] ربیعه و مضر [illegible]
[illegible] و مؤمن شفاعت میکند حتی از برای خدمتکار خویش
و از حضرت صادق منقول است که [illegible]
شفاعت خواهد کرد اول پیغمبران دوم [illegible] سوم شهداء
بدانکه نجات موقوف است بر ولایت اهل بیت [illegible]
داخل [illegible] [illegible]
[illegible]

با محبت

باعث کفر و ضلالت است و برای دفع شبهه و وحشت شیطان
نافع و مؤثر است بسم الله الرحمن الرحیم یا الله یا
رحیم یا مقلب القلوب ثبّت قلبی علی دینک

مقصد عدل و امامت و اصول دین

و اصول مذهب پنج امر می‌باشد و اصول دین چیزی است
که هر کس بآن اعتقاد دارد مسلمان است و الّا کافر است
و علمای دین سه امر سابق که توحید و نبوت و معاد باشد
را از اصول دین شمرده‌اند که اجمالاً از تفصیل آنها در
ما فیه مذکور شد مفصلاً انشاء الله در جلد دوم کتاب
و عدل و امامت را از اصول مذهب شمرده‌اند یعنی
هر کس بآنها اعتقاد دارد شیعه است و الّا شیعه نیست اما
عدل ثابت است در خدای تعالی که عادل است و ظلم
نمی‌کند بشش دلیل اول آنکه ظلم قبیح است و خدا دانا است
کار قبیح ننماید دوم ظلم بجهت احتیاج واقع می‌شود و خدای
مستغنی است سیم آنکه خدا منع از ظلم فرموده چگونه خود مرتکب ظلم شود

چهارم آنکه در کتابهای خود از اجبار بندگان نهی فرموده پنجم آنکه
ظلم و آفرینش عالم اقتضای عدل او را نماید ششم آنکه
با حصول ظلم نفع اعتقاد بوعد و وعید او و امّا امامت
پس آنکه به ضرورت وجود دین و بقصد نبوت مقصود شده و
احکام جاری است نصب امام از قبل حق سبحانه تعالی برای ابقای
دین حضرت خاتم الانبیاء لازم است که امام حجّت بر خلق
بوده و احکام الهیه را برای مردم جاری نماید و ثابت است
که ائمه تا روز قیامت دوازده نفر خلیفه بلا فصل
از خدا می‌باشند که اول امیر المؤمنین ع ۲
امام حسن ع ۳ امام حسین ع ۴
امام زین العابدین ع ۵ امام محمد باقر
ع ۶ امام جعفر صادق ع ۷ امام موسی
کاظم ع ۸ امام رضای غریب ع ۹ امام
محمد تقی ع ۱۰ امام علی النقی ع ۱۱ امام
حسن عسکری ع ۱۲ امام عصر عجل الله فرجه

و ثابت است امامت این بزرگواران به پنج دلیل اول
باتفاق شیعه و سنی که حضرت رسول فرمود که خلیفه بعد از من
بعد از من دوازده نفر خواهند بود و هر کس غیر از اینها قائل باین
امر شد کاذب است و عصمت آنها ... تمام مسلمین
محل کلام است ... خروج ... است
است دوم آنکه هر یک از ایشان ادعای امامت نمودند و قول
عصمت آنها مانع از دروغ گفتن ایشان است سوم آنکه
کرامات و حالات و مکارم اخلاق و ...
که بتواتر رسیده مقتضی صدق ایشان است چهارم آنکه از
ایشان رسیده بتعلیم خارق عادت است پنجم آنکه از
رسول آن نصوص متواتره در خصوص امامت ایشان باسمائهم
و صفاتهم رسیده چنانچه در کتب مبسوطه مسطور است پنجم معجزات
متواتره که از هر کدام از اینها نقل شده در کتب معتبره مسطور است
بدانکه صحت ایمان و عبادت مشروط باعتقاد کردن بامامت
ائمه اثنی عشر صلوات الله علیهم اجمعین و بدون اعتقاد صحت

ندارد و عملی باطل است ... اجماعی علمای شیعه است
و احادیث در این باب متواتر است چنانچه ابن بابویه
از حضرت صادق ع روایت کرده که اول چیزی که سئوال می
کنند نماز و روزه و زکاة و خمس و حج و ولایت اهل بیت است اگر اقرار
کرد بولایت باقی دیگر را قبول خواهند کرد و الا هیچ عملی از او
قبول نمی کنند و بسند دیگر از آن حضرت روایت کرده است که جبرئیل
بر حضرت رسول ص نازل شد گفت خدا ترا سلام میرساند
میفرماید که اگر بنده در میان رکن و مقام از ابتدای عالم تا انقضای
عالم مرا عبادت کند و اقرار بولایت علی نداشته باشد او را سرنگون
در جهنم اندازم و ابن بابویه از حضرت رضا ع
روایت کرده است و او از آباء و اجدادش تا رسول خدا که خدا
تعالی بایشان فرمود که ولایت علی بن ابیطالب حصن و قلعه من است
و هر که داخل این قلعه شود از عذاب من ایمن است و لازم
است که اجمالا تاریخ ولادت و شهادت و مدفن و
شمه از حالات ائمه معصومین سلام الله علیهم ذکر شود

در احوال ائمه علیهم السلام که مشتمل است بر دوازده فصل

فصل اول در احوال امیر المؤمنین و مولای متقین و یعسوب الدین علی بن ابیطالب صلوات الله علیهم اجمعین قوله تعالی ولایت علی بن ابیطالب حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی

امام اول حضرت امیر المؤمنین علیه السلام اسم مبارکش علی و کنیتش ابو الحسن پدرش ابوطالب برادر عبدالله پدر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و مادرش فاطمه بنت اسد بن هاشم ولادتش در اندرون خانه کعبه سیزدهم رجب سی سال بعد از تولد حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله منصوب شد آنحضرت بامامت هجدهم ذیحجه سال دهم از هجرت بنابر وصیت انبیاء و در این روز تعیین شده اند و وفات آنحضرت در روز جمعه بیست و یکم شهر رمضان المبارک سال چهلم هجرت مدفن او در نجف اشرف سن آنحضرت شصت و سه سال بود در فضیلت زیارتش از حضرت امام ناطق جعفر بن محمد الصادق علیه السلام منقول است که هر کس زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را پیاده بجا آورد خدا تعالی بعوض هر گامی ثواب حج و عمره بنویسد و اگر پیاده از زیارت آنحضرت برگردد

هر گامی دو حج و دو عمره بنویسد و هر کس بزیارت آنحضرت رود و عارف بحق او باشد یعنی یقین داند که او امام مفترض الطاعة است خداوند جهت او حج مقبولی و عمره مبروری بنویسد و بخدا قسم که آتش دوزخ نمی چشد پای کسی که خاک آلوده شود در زیارت او خواه در سواره و خواه پیاده و از حضرت علی بن موسی علیه السلام منقول است که خطاب با جد بزرگوار خود فرمودند که روز غدیر نزد قبر آنحضرت حاضر شد خدا تعالی در آن روز گناهان او را میآمرزد گناهان شصت ساله او را برابر آنچه خوانده شب قدر و از آتش آزاد میکند در آن روز

امام دویم از فصل دویم در احوال سبط اکبر حضرت امام حسن علیه السلام لقب او مجتبی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که ولادت آنحضرت پنج سال بعد از بعثت بود و بیش از هشت سال در کنار جد و پدر بود در مدینه و شاد و بعد از وفات پدر صاحب منصب امامت گردید و امام حسن تمام عمر شریفش چهل و هشت سال و مدفن او بقیع است و در روز وفات آنحضرت در بیست و هشتم ماه صفر

پس بود وفات آن مخدره در روز سه‌شنبه سیم ماه جمادی الآخره سال
یازدهم هجرت و مدت عمر آن معصومه بعد از وفات پدر بزرگوارش
هفتاد و پنج روز بود و در دفن آن حضرت اختلاف است بعضی گفته‌اند که در خانه
خود مدفون شد بعد از آنکه بنی امیه مسجد حضرت رسول صلعم را بزرگ
ساختند آن خانه داخل مسجد شد و آن در میانه منبر و قبر حضرت رسول
جا شد و بعضی در بقیع نزد چهار امام علیهم السلام احتیاطاً زیارت کنند
میگویند در آنجا مدفون است علی ای حال ثواب زیارت آن معصومه
چنانکه شیخ طوسی ره در تهذیب نقل کرده که حضرت رسول صلی الله علیه
خطاب بحضرت زهرا علیها السلام کرده فرمود که هر کس که مرا یا ترا که
فاطمه سلام کند واجب میشود بهشت پس حضرت فاطمه علیها السلام پرسید
که در حال حیات یا ممات فرموده چه در حال حیات چه در حال ممات
فرمود حضرت رسول صلعم آنکسانی که قبر مرا زیارت کنند بعد از
وفاتم چنانست که از دار کفر بسوی من هجرت کرده اند و اگر استطاعت
نداشته باشند از دور بر من سلام بفرستند که بمن میرسد و فرمود کسیکه
حج کند و مرا زیارت نکند در مدینه پس بمن جفا کرده و جفاکار محروم است

محشور شد اللهم احشرنا معها بحقها فصل سیم در احوال امام دوم
حضرت حسن مجتبی علیه السلام کنیتش ابو محمد بوده پدرش علی ابن
ابی طالب علیه السلام و مادرش فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه
و آله الطاهرین مولدش در مدینه روز سه‌شنبه در نصف ماه رمضان
در سال دوم از هجرت و مدفنش در بقیع و وفاتش روز پنجشنبه هفتم صفر
و عمر شریفش چهل و هشت سال بوده و ثواب زیارتش از حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله منقول است که خطاب بحضرت امام حسین فرمود
که هر کس مرا در حیات یا در ممات زیارت کند یا ترا که حسینی
یا پدر ترا زیارت کند بر من لازم است او را زیارت کنم و از گناهان خلاص کنم
و هم از آن حضرت منقول است که هر امامی را در گردن دوستانش
عهدی هست و از تمام وفای آن عهد زیارت کردن قبر اوست پس
هر کس یک امام را زیارت کند در رغبت در زیارت او نماید
آن امام در روز قیامت شفیع او باشد و هم از آن حضرت منقول است
وقتی که حضرت امام حسن علیه السلام سؤال نمود یا رسول الله کسی که
زیارت ما کند چه ثواب دارد آنحضرت فرمود یا بنی من زارنی حیا

[illegible] وانّه لکان حتما

علی ان اذوره [illegible]

در خصوص زیارت خود فرموده من زارنی بعد موتی

کمن هاجر الیّ فی حیاتی فان لم تستطیعوا فا

بعثوا الیّ بالسلام فانّه یبلغنی یعنی کسیکه زیارت

کند مرا بعد از موت من مثل کسیست که هجرت کند بسوی من در

حیوة پس اگر مستطیع نباشید پس بفرستید بسوی من سلام را

پس بدرستیکه او میرسد مرا [illegible]

فصل چهارم در احوال امام سیم حضرت ابی عبد الله

الحسین علیه السلام پدرش علی بن ابیطالب مادرش فاطمه

بنت رسول الله ولادتش سیم شعبان و شهادتش

روز عاشورا دهم محرم الحرام سال شصت یکم هجرت و عمر شریفش

پنجاه و هشت سال و قبر شریفش در کربلا است و در ثواب

زیارت آن حضرت پنجاه و هفت حدیث اورده شده

که در بعضی از انها روایت کرده اند که زیارت آن حضرت

[illegible] زیارت کند رسول خدا و [illegible]

[illegible] هست و زیارت [illegible]

[illegible] زیارت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] زیارت کند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] زیارت [illegible]

[illegible] زیارت [illegible]

[illegible] زیارت [illegible]

[illegible] ثواب [illegible]

[illegible] زیارت [illegible] ثواب

[illegible]

فصل [illegible] در احوال [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] امام ... علی بن الحسین ... مادرش ... [illegible]

... مولدش در مدینه پنجم شعبان روز ... وفاتش

در ... محرم سنه ... عمرش پنجاه و هفت سال قبر

او در بقیع نزد عمش امام حسن ع ... ثواب زیارت ... فرموده حضرت

... از برای ... امام ... [illegible]

دوستان و شیعیان ... [illegible]

قبر ایشان پس کسیکه زیارت ... [illegible]

او را در روز قیامت فصل ششم در احوال امام محمد باقر

... مادرش ... امام زین العابدین ... [illegible]

امام ... امام حسن ... اول علوی ... [illegible]

... مولدش در مدینه ... ماه صفر ... وفاتش

بقیع ... وفاتش هفتم ذیحجه سنه ... از هجرت

عمر شریفش پنجاه و هفت سال و ثواب زیارت او را ...

... در کامل حدیث ... از حضرت صادق روایت

کرده که مردی ... حضرت ... شد ...

پیغمبر را بهشت

پیغمبر است از برای کسیکه زیارت کند او را فرمود که بهشت

از برای او است اگر اعتقاد با امامت او داشته باشد و معرفت

او کند و شیخ طوسی ره از حضرت امام حسن عسکری ع روایت کرده

که هر که زیارت امام محمد باقر ع را نماید ... [illegible] فصل

هفتم در احوال حضرت امام جعفر صادق ع و مادرش ام فروه

... مولدش در مدینه ... ربیع الاول ... مدفنش در بقیع ...

... وفاتش در نصف ماه رجب عمر شریفش شصت و پنج سال

... او از حضرت امام حسن عسکری ع روایت است

... امام جعفر صادق ع را زیارت کند خدا ... گناهان او

... هرگز در چشم نه بیند ... و خود آنحضرت

... هر که مرا زیارت کند ... فصل هشتم

در احوال حضرت امام موسی بن جعفر ع مادرش حمیده ...

مولدش ابوا ... هفتم ماه صفر و وفاتش روز بیست و پنجم ماه رجب

سنه ... هجری قبر شریفش در کاظمین ثواب زیارت او از

حضرت امام رضا ع منقول است که پرسیدند ... زیارت

پدرو

[illegible] از حضرت

[illegible]

[illegible] زیارت [illegible]

در حدیث [illegible] حضرت [illegible] زیارت کند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

امام رضا ابراهیم عباس قاسم اسمعیل جعفر هرون

حسن احمد محمد حمزه [illegible] اسحق [illegible]

زید حسن فضل سلیمان بنابر قول اول [illegible]

[illegible] دختران او فاطمه کلثوم [illegible]

[illegible]

بنابر قول [illegible] ذکر شده [illegible]

فصل هشتم در احوال حضرت علی بن موسی الرضا [illegible]

کنیتش ابوالحسن [illegible] ولادتش [illegible] یازدهم ذی القعده

وفاتش بنابر مشهور [illegible] صفر [illegible] ماه رمضان [illegible]

مدت عمرش پنجاه و پنج سال مدفنش در خراسان

ثواب زیارت او بسیار است [illegible] منقول است از حضرت

[illegible] که زود باشد که شهید شود مردی از اولاد من

در خراسان [illegible] نام وی نام من است و نام پدرش

[illegible] هر که او را زیارت کند [illegible] بسیار [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل نهم در احوال حضرت امام محمد بن علی التقی الجواد

کنیتش ابوجعفر پدرش حضرت رضا ع و مادرش خیزران ام ولد
مولدش مدینه در نیمه ماه رمضان وفاتش سنه ... ذیقعده یا
... ماه یا در آخر ماه مذکور سنه ۲۲۰ هجری عمر شریفش بیست و پنج
سال دو ماه و پانزده روز عمر آنحضرت در میان ائمه ع
از همه کمتر بوده که در جوانی زوجه ملعونه اش بتحریک معتصم
عباسی مسموم کرد و قبر شریفش در کاظمین در عقب جد بزرگوارش
امام موسی کاظم ع است و ثواب زیارت او در شیخ [illegible]
از ابراهیم بن عقبه روایت کرده که گفت نوشتم خدمت امام
علی النقی ع و سؤال کردم در نامه از زیارت ابی عبدالله [illegible]
و از زیارت امام موسی و امام محمد تقی علیهما السلام [illegible]
کدام یک از این دو زیارت بهتر است در جواب مرقوم فرمود
بود که ابوعبدالله علیه السلام مقدم است و زیارت این دو
معصوم جامع تر و ثوابش بزرگتر است فضل بسیار که از برای
زیارت این دو بزرگوار علیهما السلام در اخبار کثیره وارد شده

فصل دهم در احوال دو معصوم است اول در احوال امام
علی النقی ع پدرش حضرت امام محمد تقی ع و مادرش سمانه
مولدش مدینه در نصف ذی حجه و بعضی در ... ماه دیگر
نوشته اند وفاتش در سیم ماه رجب سنه ۲۵۴ هجری و بعضی
در ... یا ۱۳ ماه نیز گفته اند عمر شریفش چهل و دو سال
مدفنش در سر من رای که معروف بسامره است مکان شریف
است مطلب دوم در احوال حضرت حسن بن علی العسکری ع
کنیتش ابومحمد پدرش امام علی النقی ع مادرش حدیثه ام
ولد مولدش مدینه در دهم ماه ربیع ۲ وفاتش در هشتم ماه
ربیع ۱ سنه ۲۶۰ هجری عمر شریفش بیست و هشت سال مدفنش
در سامره پهلوی پدر بزرگوارش و ثواب زیارتش وارد
شده از امام روایت است که خدمت حضرت صادق ع عرض
کردم که چه ثواب است از برای کسیکه زیارت کند یکی
از شماها را فرمود مثل آن است که زیارت کند حضرت
رسول را [illegible]

فصل دوازدهم در احوال حضرت [illegible]

ولادت حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه

پدرش حسن عسکری [illegible] مادرش نرجس [illegible] قیصر روم

[illegible] ساعت [illegible] نیمه شعبان [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] ماه شوال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مقصد پنجم در اصول اخلاق و سلوک با خلق

و [illegible] فصل اول در آداب حرف زدن بدانکه چهار چیز را باید در چهار مقام محافظت کرد اول چشم خود را از نامحرم دوم دست خود را از اذیت مردم سیم دل خود را وقت نماز چهارم زبان را وقت تکلم مبادا حرف ناحق را گوید که [illegible] با دیگری در او باشد [illegible] [illegible] که مردم از دست و زبان او سالم باشند پس [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل دوم در مذمت تارک و کاهل الصلوة بدانکه در احادیث
معتبره وارد شده کسیکه نماز را عمداً ترک نماید کافر است و کسیکه
مسامحه کند در نمازهای فریضه پانزده عقوبت برای او هست
شش در دنیا اول نور از روی او برده میشود دوم برکت از عمر و مال او برداشته
شود سوم اعمال خیر او نابود میگردد چهارم عدم استجابت دعا پنجم نصیب نمیشود
از دعای مومنان ششم دعای ملائکه در حق او قبول نمی شود و سه
عذاب در وقت مردن شدت نزع و تشنگی و گرسنگی و سه
در قبر تاریکی و تنگی قبر و سه در روز قیامت حساب شدید
الهی و حشر مانند حیوانات چهارپا داخل آتش جهنم چنانچه
فی قوله تعالی أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ
فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا
فلیعلم انکه چرا شارب الخمر و زانی و سارق و حال انکه
اینها از گناهان کبیره اند کافر نمی گویند و تارک الصلوة را کافر
میگویند چون فاعل در ارتکاب این اعمال یک لذتی را در نظر دارد
و اما تارک الصلوة در ترک نماز بهیچ وجه من الوجوه عذری ندارد
مگر ... الا اینکه استخفاف بدین اسلام کرده که این موجب کفر است

فصل سیم

فصل ششم در مذمت عیب جوئی و بدگوئی و بهتان گوئی و فحش
و دروغ گوئی و بهتان گفتن و غیبت کردن بدانکه اینها همه از
گناهان کبیره میباشند علاوه بر عذاب آخرة در دنیا ذلیل
میشود و مردم هم در عیب جوئی و بدگوئی او سعی نمایند چنانکه از
حضرت جواد منقول است که فرمود مَنْ عَابَ عِيبَ وَمَنْ
شَتَمَ أُجِيبَ و از حضرت امیر المؤمنین ع نقل شده که فرمود
حرام است بهشت بر شخص هتاک و فحاش و اگر تفتیش
کنی نیابی او را مگر ولد الزنا یا شرک شیطان در نطفه او
و دروغگو دشمن خدا و رسول است و آدمی را بی اعتبار میکند
و دیگر حرف راست او را قبول نخواهند کرد تا چه رسد بدروغ
و بهتان گوئی بدانکه حضرت صادق ع میفرماید هر که
بهتان زند بمومن یا مومنه بچیزی که در او نیست حق تعالی
او را محشور گرداند در چرک و ریم زناکاران تا از عهده گفته
خود بیرون آید و غیبت کردن از گناه زنا بدتر است چنانکه
فرموده اند الغیبة اشد من الزنا که غیبت کننده
خلاف امر خدا را کرده و هم قلب برادر دینی خود را شکسته است

فصل چهارم در مذمت مجالست با فجره و اشرار بدانکه [illegible]

[illegible] فجره و فساق خیلی مذموم است که [illegible]

[illegible] بتو اثر خواهد کرد که ترا رغبت [illegible] با اعمال ایشان و با کسانیکه

از خدا نمی ترسند [illegible] نکنید و دوستی با حیوانات [illegible]

بهتر از ایشان است زیرا که [illegible] اشتغال و دین ترا [illegible]

و دولت را مشغول خواهند کرد [illegible] دنیا و آخرت خراب خواهی شد

[illegible] حضرت نوح [illegible] که [illegible]

اِنَّهُ لَيْسَ مِنْ اَهْلِكَ اِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ [illegible]

رفیق [illegible]	[illegible]
[illegible]	رفیق بد از تو بره مال و دین
[illegible]	[illegible]

پس [illegible] از خدا نترسی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] در روز قیامت با خوبان خواهد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بهشت [illegible]

[illegible] و فضل [illegible]

و احادیث و آیات قرآنی [illegible]

[illegible] لازم است

پس [illegible]

[illegible]

[illegible] گفته است [illegible]

[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible] فصل [illegible] در مذمت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible] لا [illegible]

فصل هشتم در بیان خفتن [illegible] و فضیلت [illegible]

بدانکه [illegible] خوشی [illegible] باشد [illegible]

[illegible] دست بشوید و در آب کردن [illegible] که پانزده مرتبه [illegible]

بار [illegible] از معاشرت کردن [illegible]

توان [illegible] در مشاغل [illegible]

[illegible]

پس هر کس را [illegible] که این فضیلت دارد زیارت

در قضاء حوائج او که حضرت رسول فرمود هر که بجهت برادر مؤمن

خود برود بجهت کاری که بر دارد ثواب صد هزار از عتق و رفع صد هزار

درجه [illegible] صد هزار سیئه و ثواب صد هزار حسنه دارد [illegible]

بجا نه خود ثواب کسیکه قرض دهد برادر مؤمن [illegible]

در [illegible] حسنه دارد اگر در [illegible] را [illegible] و همچنین ابداء

او از گناه کبیره است پس در مؤمن چند چیز لازم است که

اساس اسلام و ولایت اهلبیت عصمت و طهارت علیهم السلام

و نماز و زکوة و خمس و روزه و حج و عمل بواجبات و اجتناب

از محرمات و مستحبات کمال اهتمام داشته باشد و اگر

سهواً خلاف شرعی از او بعمل آید فوراً توبه نماید و الا [illegible]

فصل نهم

فصل نهم در بیان [illegible] و [illegible] آنچه باید مشغول بود

بدانکه از جمله [illegible] که [illegible] قیامت سؤال [illegible] از عمر سؤال

از عمر است که عمر خود را در چه صرف کردی [illegible] و افعال

[illegible] مشغول بودی یا بامورات لهو و لعب اشتغال داشتی

پس [illegible] عمر را غنیمت شمار که هر ساعتی قیمتی گوهر دارد

از [illegible] بهر چیز مشغول باشی چنانچه از حضرت صادق منقول

است که هر که تسبیح حضرت زهرا را بعد از نماز بگوید قبل

از آنکه [illegible] خود را از هیئت نماز بگرداند آمرزیده شود

[illegible] واجب شود [illegible] در خبر دیگر فرمود هر که سوره توحید

را بخواند بعد از نماز خدا جمع کند برای او خیر دنیا و آخرت

[illegible] و هر که [illegible] و ببهشت رسید

[illegible] و در خبر دیگر فرمود که هر کس یکبار صلوات بفرستد بر محمد و آل

محمد خدا هزار صلوات بفرستد بر او و هزار صف ملائکه بر

او صلوات بفرستند در حدیث دیگر قال رسول الله

[illegible] من صلی علی مرة لم يبق من ذنوبه ذرة

پس [illegible] در هر ساعتی از این [illegible] قدر ثواب [illegible]

فصل [illegible]

فصل ششم در فضیلت کسب حلال کردن بدانکه [illegible]

ست آدم کاهل و تنبل دشمن خدا [illegible] باشی [illegible]

[illegible]

دست رنج خود [illegible]

[illegible]

ناچار [illegible] از این جهت دشمن خدا [illegible]

است پس اگر بخواهی [illegible] و محترم باشی [illegible]

کن [illegible] نوکری کردن [illegible]

دنیا [illegible]

تو باشد [illegible] دست [illegible]

دراز نکنی و گدا [illegible] مثنوی چنانکه گفته اند

هر که نان از عمل خویش خورد — منت حاتم طائی نبرد
هر که از دست رنج خویش آید — بهتر از نان و کد خدا دبیر

دایما حرص خود را کم کن و در خرج کردن میانه روی اختیار کن

خیر الامور اوسطها بلکه خرج را از دخل کمتر کن که اگر اتفاق بیماری [illegible]

پیش آید [illegible] و حیران نمانی بلکه [illegible]

فصل هفتم در فضیلت علم بدانکه مطابق اخبار و احادیث طلب علم

بر جمیع مردم لازم است چنانکه فرمودند طلب العلم فریضة علی کل مسلم

و مسلمة و فرمودند طلب نمائید علم را و لو بطرف چین باشد و حضرت

جعفر صادق ع فرمود که تازیانه بزنند بر سر اصحاب من که بروند

علم را یاد بگیرند و حضرت رسول خدا فرمود که ساعتی عالم تکیه

کند بر فراش خود و فکر کند در علم خود بهتر از عبادت عابد

است در هفتاد سال و در حدیث دیگر فرمود کسیکه خارج

شود از منزل خود تا اینکه طلب کند بابی از علم می نویسند خدا

از برای او بهر قدمی ثواب هفتاد هزار شهید از شهداء

بدر و در حدیث دیگر فرمود نشستن نزد عالم ساعتی که علم

مذاکره نماید بهتر است از عبادت یکسالی که روزها روزه

باشد و شبها عبادت کند و در حدیث دیگر فرمود که نظر

کردن در روی عالم بهتر است از برای تو از آزاد کردن

هزار بنده و در حدیث دیگر فرمود که علماء امتی افضل است از

انبیاء بنی اسرائیل [illegible] این اخبار همه عربی بود ترجمه شد

فصل دهم در مذمت عالمان بی عمل و در عقوبت اهل علم

بدانکه عالم بی عمل چون درخت بی ثمر است اگر عمل نکند در دنیا

و آخرت خجل میشود و بدانکه مقربات الفاعل مرفوع و المفعول

منصوب چنانکه شیخ سعدی ره گفته میان پادشاه چنین

و خط صلح شد اموزی همه عمر و زنده تمام نشد و منطق

و اصول و مباحث الفاظ و احتمالات حواشی و [illegible]

اعم و اخص و تحدید معقولات جواهر و اعراض و انتاج صغری

و کبری برای توغل می‌شوند غافل بی بهره از تو خواهند شد

یکی [illegible] خسر الدنیا و الآخرة شدند چنانکه گفته‌اند

گر علم تو [illegible] ازبر داری — سودت نکند چو نفس را [illegible]

سر را ز برهنه [illegible] — [illegible]

تیغ دادن در کف زنگی مست — به که آید علم ناکس را بدست

پس ای عزیز من فقط بعلم اکتفا نکن و رفتار حضرت رسول ص

را در کتب اخبار مطالعه نما از سیرة و سلوک و اخلاق

و تواضع آن حضرت اقتدا کرده و تمسک کن [illegible]

فصل یازدهم در فضیلت اهل علم و طلاب بدانکه باید

دانست که باعث تعلیم و تعلم علم دین و مقدمات تحصیل تقرب بخدا

و رسیدن بسعادت ابدیه و ترقی از مرتبه بهیمیت

و دخول در عالم انسانیت باشد و مقصود مراء و جدال

و مباهات با عرض معرفت و تفوق بر اقران و امثال نبود

از حضرت صادق ع منقولست که فرمود طلبه علم را

سه صنفند پس بشناس ایشان را بصفات ایشان گروهی

طلب میکنند از برای جهل و مراء و گروهی طلب میکنند از برای

استطاله و خدعه و گروهی طلب میکنند از برای خدا که تفقه

و عقل نمایند پس علامت اهل اول در صاحب [illegible]

است در حضور مردم مذاکره علم و صفت حلم را مستعمل است

و حال آنکه خالی است از تقوی و دوم صاحب کبر و حیله

و تملق با اغنیاء و متکبر با امثال خود و خدا آثار ایشانرا قطع

نماید و سیم صاحب گریه و اندوه و شبهای تاریک [illegible]

و عبادت میکنند پس خدا روز حشر عطا کند [illegible]

فصل دوازدهم در وعظ غیر متعظ بدانکه تشبیه کرده‌اند
واعظ غیر متعظ را بشمع که خود بسوزد برای نفع غیر و مثل غربالیکه
هرچه رقیق و لطیف است بیرون میکند و نخاله درشت را
از برای خود نگاه میدارد و خدا میفرماید در قرآن مجید یا ایها
الَّذِینَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ کَبُرَ مَقْتًا
عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ در سوره صف
و حضرت صادق ع فرمود نیست علم بسیاری که تعلیم بگیری یا
خواندن نیست بلکه همان نوری است که خدا میاندازد در دل هر
کسیکه خدا خواهد هدایت او را پس هرگاه علم خواهی اول طلب
کن در دل خود اول حقیقت بندگی را و طلب علم کن باستعمال
آن و طلب فهم کن از خدا تا بفهماند ترا خبر نبوی است که عالم
بی عمل با ابلیس برابر است و سلطان بی عدل با فرعون برابر است
و غنی که فیض مالش را نبرد با مرده با برابر است
و فقیری که تن بقضا ندهد با سگ برابر است که از خانه در آید

مقصد پنجم در ادعیه و اذکار معتبره و فضیلت

بدانکه چون اذکار و ادعیه بسیار از ائمه اطهار علیهم السلام
در کتب مبسوطه علماء امامیه کثر الله امثالهم مسطور است و اکثر
اهل بدعت مردم را باذکار و اورادی که از مشایخ سنی خود
است تحریص و ترغیب مینمایند با اینکه چندتا اوراد و مهمل که
وضع نموده در افواه مردم عوام میگذارند و شرح بهائی بر اینهمه عمل می
نمایند همه کس را چون دست بکتابهای مبسوطه نمیرسد که
جمیع آنچه در این باب تألیف کرده اند لهذا خواستم این رساله
بذکر بعضی از فضائل ادعیه و اذکار ختم نمایم که موجب
انتفاع طالبین حق گردد از این کتاب و ضمناً این عاصی را
فراموش نکرده و دعای خیری بفرمایند و این مقصد مشتمل است بر
چند مطلب اول در فضیلت تسبیحات اربعه بدانکه از
حضرت صادق ع منقول است که از دعوه آخر بهشت

حضرت رسول صلعم آمدند و اعلم ایشان از مسئله چند سؤال
کرد چون جواب شنیدند مسلمان شدند و از جمله آن مسائل این
بود که یا محمد صلعم خبر ده ما را از کلماتیکه حق تعالی برای ابراهیم اختیار
کرد در هنگامیکه خانهٔ کعبه را بنا نمود حضرت فرمود یکی آن کلمات
سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلّهِ وَلا اِلهَ اِلّا اللهُ وَاللهُ اَکبَر
یهودی پرسید چه ثواب دارد کسیکه آن کلمات را بگوید حضرت
فرمود چون سبحان الله گوید با او تسبیح میگویند آنچه در زیر عرش است
پس بگوینده تسبیح ده برابر ثواب آنها عطا میکنند چون بنده
الحمد لله گوید حق تعالی نعیم دنیا را با او کرامت فرماید
میکند بنعیم آخرت و اما لا اله الا الله پس بهشت جزای
آن است و کسیکه الله اکبر گوید در بهشت درجهٔ عالی برای
عرش خواهند یهودی گفت راست گفتی یا محمد صلعم پس
عرض کرد که یا رسول الله پس ما در بهشت درخت بسیار داریم
فرمود بلی و لکن بپرهیزید از اینکه آتش بفرستید آنرا بسوزاند

مطلب سوم در ثواب تهلیل از حضرت رسول صلعم
منقول است که حق تعالی بحضرت موسی خطاب فرمود که اگر
آسمانها و زمینها و ساکنان آنها در یک کفهٔ ترازو باشد
و لا اله الا الله در کفهٔ دیگر باشد این کلمه بر آنها زیادتی میکند
و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که هر بندهٔ مسلمانی
که لا اله الا الله را بگوید آن کلمه بالا میرود و هر سقفی را
میشکافد و بهر گناهی از گناهان میرسد محو میکند تا چون ثواب
بهر قرار میگیرد و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع
منقول است که هیچ عملی نزد خدا ثوابش بزرگتر از گفتن کلمه
لا اله الا الله نیست و بسند صحیح از حضرت صادق ع
منقول است که هر که صد مرتبه بگوید لا اله الا الله الحق المبین
در آن روز بهترین اعمال مردم باشد مگر کسیکه بیشتر از او گفته
باشد و از حضرت منقول است که فرمود تلقین کنید مردگان
خود را بلا اله الا الله که هر که آخر کلامش لا اله الا الله
باشد داخل بهشت شود اللهم ارزقنا بمحمد و آله الطاهرین

مطلب چهاردهم در خواب مولف در ثمره توحید و تحمید و صلوات

کیفیتش گوید مولف این کتاب که در سنه ۱۳۴۳ هجری قمری در
لیله ۱۲ شهر صیام در منزل یکی از منسوبین مهمان بودم و جمعی از
اهل آن قریه حاضر بودند و حضار هر یک آرزوئی خواهانه کردند
که راجع بشکم پرستی بود و حقیر در آن وقت سواد فارسی داشتم
ولی بدرس عربی اشتغال نکرده بودم که از آن سال موفق
شدم بتحصیل علوم عربیه مع ذالک آنها را امر نمودم
برای اعمال خیر آنها جواب دادند که دعا خواندن و این کار
برای خودمان نمی شود خلاصه حاضر شدند که سوره توحید و تحمید و
صلوات بخوانند و ثواب آنها را بحقیر بدهند پول بگیرند غرضها
هزار و چهار صد مرتبه توحید و تحمید و صلوات خواندند مبلغی پول
گرفتند و بنده ثواب اذکار را بارواح چهارده معصوم علیهم السلام
هدیه کردم بعد از تفرقه جمعیت بخوابیدم در عالم رؤیا براتی
بمن مضمون دادند که برات آزادی شماست از آتش دوزخ
صبح بیدار شدند پول را پس آوردند قبول نکردم انتها

مطلب پانزدهم دعا بجهت اداء دین در کتاب ضیاء الصالحین

نقل است از معاذ جبل از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که فرمود بمعاذ که بخوان آیه قُلِ اللّهُمَّ مالِکَ المُلک
در سوره آل عمران تا بغیر حساب و بعد این دعا را بخوان
یا رَحمنَ الدُّنیا وَالآخِرَةِ وَرَحیمَهُما تُعطی مِنهُما
مَن تَشاءُ اِقضِ عَنّی دَینی ادا کند خدا دین ترا
اگر چه پر از زمین طلا باشد دین تو و نقل است
از کتاب نثر اللئالی که مردی بخدمت حضرت عیسی بن مریم
[illegible] شکایت کرد از بسیاری قرض خود فرمود بگو اللّهُمَّ
یا فارِجَ الهَمِّ وَمُنَفِّسَ الغَمِّ وَمُذهِبَ الاَحزان
وَمُجیبَ دَعوَةِ المُضطَرّین یا رَحمنَ الدُّنیا وَالآخِرَةِ
وَرَحیمَهُما اَنتَ رَحمانی وَرَحمانُ کُلِّ شَیءٍ فَا
رحَمنی رَحمَةً تُغنینی بِها عَن رَحمَةِ مَن سِواک
وَتَقضی بِها عَنّی الدَّین پس اگر باشد بر تو
[illegible] باشد حق تعالی ادا فرماید دین ترا

مطلب ششم در دعای آسان شدن کار و کفایت
امور شیخ ابن فهد در عدة الداعی از حضرت امام
رضا ع نقل کرده که هر که بگوید در عقب نماز صبح این کلام
را حاجتی نطلبد مگر آنکه آسان شود از برای او و کفایت
کند حق تعالی آنچه را که مهم او است بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله وصلی الله علی محمد و آله و
افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد فوقیه
الله سیئات ما مکروا لا اله الا انت سبحا
نک انی کنت من الظالمین فاستجبنا
له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین
حسبنا الله ونعم الوکیل فانقلبوا بنعمة
من الله وفضل لم یمسسهم سوء ما شاء الله لا حول
ولا قوة الا بالله ما شاء الله لا ما شاء الناس
ما شاء الله وان کره الناس حسبی الرب

من المربوبین حسبی الخالق من المخلوقین حسبی الرازق
من المرزوقین حسبی الله رب العالمین حسبی
من هو حسبی حسبی من لم یزل حسبی حسبی من
کان مذ کنت لم یزل حسبی حسبی الله لا اله الا
هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم
مطلب هفتم دعای دفع بلاها و امراض شیخ کلینی
از حضرت صادق ع روایت کرده که هر که بعد از نماز صبح و
مغرب بگوید هفت مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم حق تعالی
دفع کند از او هفتاد نوع بلا که آسانتر آنها باد و
دیوانگی باشد و اگر شقی باشد محو شود از اشقیا و داخل شود
در زمره سعدا و نیز از آن حضرت روایت است که برای
سعادت دنیا و آخرت و دفع درد چشم این دعا را بعد از
صبح و مغرب بخواند اللهم انی اسئلک بحق

محمد و آل محمد عبدک صل علی محمد و آل محمد و اجعل
النور فی بصری و البصیرة فی دینی و الیقین فی
قلبی و الاخلاص فی عملی و السلامة فی نفسی و السعة
فی رزقی و الشکر لک ابداً ما ابقیتنی هفتم
هشتم در اذکاری که باعث آمرزش گناهان است
شیخ کلینی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده
که هر که بعد از نماز فریضه پیش از آنکه پاهای خود را از هم
بگشاید سه مرتبه این دعا را بخواند خدا گناهان او را بیامرزد
اگرچه مانند کف دریا باشد (بسیار) و بحسب مضمون دعا این است
استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم
ذو الجلال و الاکرام و اتوب الیه و در روایت
وارد است که هر که این استغفار را هر روز بخواند حق تعالی
چهل گناه کبیرهٔ او را بیامرزد از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده است که هر که بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه استغفار

کند بیامرزد حق تعالی از او هفتصد گناه (بسیار) و در روایت دیگر در
وسائل الشیعة الی ... فی باب استحباب التعقیب ...
از جعفر بن ... حضرت جعفر علیه السلام که فرمود که هر که بگوید بعد از
نماز صبح هفتاد مرتبه استغفار بیامرزد خدا او را اگرچه
هفتاد هزار گناه داشته باشد (بسیار) در روایت دیگر بگوید هفتصد
... و ... فی الوسائل عنه ع هر که بخواند سورهٔ قدر را
روز جمعه بعد از نماز عصر ده مرتبه بگذرد ... ثواب او را ...
الخلایق در روز قیامت ... در فضیلت
تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها و ترتیب آن
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که تسبیح حضرت
زهرا ع را بخواند بعد از نماز پیش از آنکه پاهای خود را بگرداند
از هیئت نماز آمرزیده شود و بهشت او را واجب میشود
در حدیث معتبر دیگر فرمود که تسبیح فاطمه ع را خواندن بعد از
هر نماز بهتر است نزد من از هزار رکعت نماز نافله در هر
روزی و ترتیب او چنانچه مشهور ... الله اکبر سی و چهار مرتبه

الله اکبر و سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و سه مرتبه

سبحان الله ... گفته اند و آنگاه ...

در عقب آن ... بگوید لا اله الا الله ...

... خدا او را ... شیخ طوسی از حضرت

صادق روایت کرده که ... تعقیب ... کامل

ایمان ... رَضِیتُ

بِاللّٰهِ رَبّاً وَبِمُحَمَّدٍ نَبِیّاً وَبِالْاِسْلَامِ دِیناً

وَبِالْقُرْآنِ کِتَاباً وَبِالْکَعْبَةِ قِبْلَةً وَبِعَلِیٍّ وَلِیّاً

وَاِمَاماً وَبِالْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَعَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ

وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ

وَعَلِیِّ بْنِ مُوسَی وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ وَعَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ

وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ وَالْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ

عَلَیْهِمْ اَئِمَّةً اَللّٰهُمَّ اِنِّی رَضِیتُ بِهِمْ

اَئِمَّةً فَارْضَنِی لَهُمْ اِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ

مطلب دوم

مطلب ... در خاتمه کتاب ... از ارباب معرفت نوشته

نماند که بنا بر اختصار و مقتضای ما لا یدرک کله لا یترک کله

نبذه‌ای از اصول و فروع و شمه‌ای از فضائل مشایخ و بعضی

از ادعیه و اذکار وارده با بعضی فواید در این رساله

... و در جلد دوم مطالب عمده‌ای که جامع

سعادت دنیا و آخرت است نگاشته شده چون ...

... و ملتمس از ارباب الطف

... به حلیه فضل و علم و ادب آراسته اند آنکه چون

... و لسان از لوازم ذات انسان است چنانچه

... برخورند از طریقه طعن و جدال ... بذیل

عفو مستور دارند و با صلاح آن کوشند تا در دایره

فمن عفی و اصلح فاجره علی الله داخل کردند و ...

... والدین او را احیاء و میتا در مظان استجابت دعا

[illegible]

[illegible]

[illegible]

غرض نقشیست کز ما باز ماند — که هستی را نمی بینم بقائی

مگر صاحبدلی روزی برحمت — کند در حق درویشان دعائی

غریق رحمت حق کسی باد — که کاتب را بالحمدی کند یاد

فانظروا بعدنا — ان آثارنا تدل علینا

یا ناظراً فیه سل بالله مرحمة — علی المؤلف واستغفر لصاحبه

تعامل مع الراجی بفضلک یا کریم
اجرنا من الفزع الاکبر بلطفک

قد فرغت من تسوید
هذا الکتاب فی یوم
الخمیس ۱۷ صفر
۱۳۶۳

مدارک وسیلة النجاة

اصول کافی

من لا یحضره الفقیه

عین الحیوة

مجمع المعارف

جلاء العیون

وسائل الشیعة

مفاتیح الجنان

منتخب الرسائل

نصایح لقمان

تهذیب علامه

[illegible]

جامع عباسی

اکسیر [illegible]

قیمت هر جلدی یک ریال

برای مشتری ۱۰۰ جلدی ۲۰ مجاناً داده میشود

در مطبعه غازی سعیدی

طبع شد ۱۳۱۴

٢٩٧٫٤٠١
٧٥٨
و ن

٥٢٤٣